

## اخلاق کارگزاران در اندیشه حضرت امام خمینی (ره)

(ارائه مقاله در بخش دانشجویی کنگره)

جواد انصاری فرد<sup>۱</sup>

### چکیده

در این نوشتار تلاش بر این است تا با بهره‌گیری از توصیه‌های حضرت امام علی (ع) به عنوان امام معصوم و حاکم اسلامی به کارگزاران خود در سراسر بلاد اسلامی، و بیانات ماندگار امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار و معمار انقلاب اسلامی به مسئولین کشور، در مجموعه ارزشمند «صحیفه نور» ایشان، وظایف عام حکومت اسلامی را در چهار بُعد، ۱. برنامه ریزی صحیح ۲. تنظیم عادلانه مسائل اقتصادی ۳. توجه کامل به امر آموزش ۴. توجه به امر پرورش و تهذیب اخلاق و مبارزه با مفاسد اخلاقی، مورد بررسی قرار گیرد.

در ادامه مقاله اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی از منظر امام خمینی (ره) را مورد توجه قرار خواهیم داد و بیانات و سفارش‌های گرانتقدار ایشان را به مسئولین به مناسبت‌های مختلف یادآور خواهیم شد. نکاتی ارزشمند مانند این‌که: ویژگی حاکم اسلامی چیست؟ کار و خدمت کارگزاران برای خداوند باشد؛ کارگزار حکومت اسلامی باید به مردم محبت بورزد و زندگی خود را هم‌سطح زندگی سایر مردم و یا به تعبیری طبقه مستضعف جامعه تنظیم کند؛ یا این‌که کارگزاران حکومت باید مردمی باشند و نیز این‌که دقت مسئولین در انتخاب و نظارت بر کار کارکنان خود امری بسیار حایز اهمیت است. در پایان به عنوان نتیجه‌گیری نکاتی را مطرح خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: حکومت اسلامی، اخلاق کارگزاران، مردم، امام خمینی (ره)

## مقدمه

در نگاه اسلام حکومت و زمامداری، به عنوان وظیفه‌ای الهی مورد توجه قرار می‌گیرد و لذا حاکم در حکومت اسلامی علاوه بر تکالیف و وظایفی که به عنوان یک فرد، بر عهده دارد، در جایگاه حاکم و زمامدار، نیز یک سلسله تکالیف سنگین دیگری نیز بر عهده اوست که باید انجام دهد. حکومت، ابزار و وسیله‌ای برای تفاخر و آقایی بر مردم نیست. بلکه راهی است برای خدمتگزاری به زیردستان و رعایا. علاوه بر این، حاکم اسلامی نه تنها در برابر خدا، بلکه در مقابل مردم نیز پاسخگو خواهد بود. امام خمینی (ره) نیز به پاسخگویی زمامداران در مقابل مردم اشاره می‌کند و می‌گوید: «هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند». با این مقدمه ابتدا به وظایف عام حکومت در قبال مردم خواهیم پرداخت و سپس اخلاق کارگزاران حکومت و مسئولین را مورد توجه قرار می‌دهیم.

## الف: وظایف حکومت اسلامی از منظر نهج‌البلاغه و امام خمینی (ره)

امام علی علیه‌السلام در بخشی از خطبه چهل نهج‌البلاغه، به چهار بُعد مهم حکومت اسلامی اشاره فرموده است: ۱. برنامه‌ریزی صحیح ۲. تنظیم عادلانه مسائل اقتصادی ۳. توجه کامل به امر آموزش ۴. توجه به امر پرورش و تهذیب اخلاق و مبارزه با مفاسد اخلاقی (نهج‌البلاغه، ترجمه مکارم، ۱۳۷۵، ص ۳۴۷). امام خمینی (ره) نیز به عنوان بنیانگذار و معمار حکومت اسلامی در ایران بر این چهار وظیفه مهم، تأکید کرده‌اند.

### ۱. برنامه‌ریزی صحیح

در اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی صحیح توسط حکومت اسلامی امام (ره) می‌فرماید که: «مسئله برنامه از مهمات یک کشور است و چنانچه بدون برنامه، یک کشوری نخواهد اداره بشود، نمی‌شود اداره بشود، باید برنامه باشد. برنامه‌ریزی‌ها را باید با کمال دقت، اشخاصی که تخصص دارند، اشخاصی که توجه به مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی و مسائل اسلامی دارند، این‌ها باید با کمال دقت بررسی کنند و متحداً با هم برنامه‌ریزی کنند و برای کشور راه برنامه‌ریزی، راهی باز می‌کند برای پیشبرد مقاصد کشور.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۲۱)

امام (ره) در پیام خود به اعضای سمینار «لیبک یا امام» لزوم برنامه‌ریزی برای امور دفاع مقدس را این‌گونه یادآور می‌شود که: «ان‌شاءالله با وحدت معنوی و ظاهری خود از این نیروهای الهی در جهت دفاع مقدس برنامه‌ریزی می‌نمایند...» (همان، ج ۲۰، ص ۳۱).

و نیز در پیام امام (ره) به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت‌الله‌الحرام در مورد اهمیت برنامه‌ریزی آمده است: «روحانیون و مدیران و مسئولین محترم کاروان‌ها و حج با توجه به مسئولیت خطیری که در اداره و توجیه زائران محترم پذیرفته‌اند و با در نظر گرفتن شرایط استثنایی کشور جمهوری اسلامی ایران باید تمام همت و تلاش خود را در برگزاری صحیح و منظم حج به کار گیرند و با سعه صدر و به دور از هر گونه توقع و منتی زائران محترم بیت‌الله را در آموزش و تعلیم مناسک و مسائل حج همراهی نمایند و متناسب با حضور

قشرهای مختلف اعم از بی‌سواد و باسواد برای آنان برنامه‌ریزی کنند و از نقش سازنده خود و تأثیر بزرگی که حج برای همیشه در سرنوشت انسان می‌گذارد غافل نشوند...» (همان، ج ۲۰، ص ۳۳۴).

و در پیامی دیگر از وظایف حکومت اسلامی این‌گونه یاد می‌کند: «ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم...» (همان، ج ۲۱، ص ۹۱).

امام (ره) در پیامی در مورد سیاست‌های کلی نظام در دوران بازسازی به لزوم برنامه‌ریزی در همه جنبه‌ها اشاره دارد و می‌فرماید: «برنامه‌ریزی در جهت رفاه متناسب با وضع عامه مردم توأم با حفظ شعائر و ارزش‌های کامل اسلامی و پرهیز از تنگ‌نظری‌ها و افراط‌گرایی‌ها و نیز مبارزه با فرهنگ مصرفی که بزرگ‌ترین آفت یک جامعه انقلابی است و تشویق به تولیدات داخلی و برنامه‌ریزی در جهت توسعه صادرات و گسترش مبادی صدور کالا و خروج از تکیه به صادرات نفت و نیز آزادی صادرات و واردات و به‌طور کلی تجارت بر اساس قانون و با نظارت دولت در نوع و قیمت...» (همان، ج ۲۱، ص ۱۵۸-۱۵۹).

امام (ره) در پیام دیگری با عنوان منشور برادری به برنامه‌ریزی نظام اسلامی اشاره دارد و می‌فرماید: «مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند...» (همان، ج ۲۱، ص ۱۷۷).

## ۲. تنظیم عادلانه مسائل اقتصادی

حضرت امام (ره) با تأکید فراوان نظام اسلامی را عادلانه دانسته و می‌فرماید که باید مردم همه در رفاه باشند. وقتی حکومت عادلانه باشد در قلوب مردم است و به ثروتمندان در وصیت‌نامه خود سفارش می‌کند که در سایه این حکومت اسلامی با ثروت‌های عادلانه خود به فعالیت سازنده بپردازند.

در اندیشه امام (ره) حاکمان نمی‌توانند ثروت‌اندوزی کنند و اعتقاد دارد که با توزیع ثروت در وضع توده‌های مردم ما بهبود حاصل می‌شود. امام (ره) می‌فرماید: «حکومت اسلامی یک نظام عادلانه است... باید مردم همه در رفاه باشند؛ باید فقرا را برایشان فکر کرد؛ باید این زاغه‌نشین‌های بیچاره‌ای که هیچ ندارند، هیچ ندارند، باید برای این‌ها فکر کرد... حکومت مال همه است، برای همه باید کار بکنند. برای ضعیفا باید بیشتر کار بکنند...» (همان، ج ۴، ص ۲۰۱).

امام (ره) هدف نهایی برقراری نظام اسلامی را حکومت عادلانه می‌داند و می‌فرماید: «مقصد عالی ما، مقصد اصلی ما، مقصدی بود که خدای تبارک و تعالی آن را به ما امر کرده، و آن این‌که حکومت باید حکومت الهی باشد، اسلامی باشد، حکومتی باشد که خود مردم می‌خواهند آن حکومت را. وقتی حکومت حکومت عادلانه شد، حکومت در خدمت مردم شد، سایه این حکومت بر قلوب مردم است؛ و یک همچو حکومتی می‌تواند حکومت کند...» (همان، ج ۷، ص ۵۲۷-۵۲۸).

امام (ره) در وصیت‌نامه خود در زمینه به کارگیری و استفاده مشروع از ثروت ثروتمندان می‌نویسد: «و به ثروتمندان و پولداران مشروع وصیت می‌کنم که ثروت‌های عادلانه خود را به کار اندازید و به فعالیت سازنده در مزارع و روستاها و کارخانه‌ها برخیزید که این خود عبادتی ارزشمند است...» (همان، ج ۲۱، ص ۴۴۵).

حتی امام(ره) عدم رسیدگی به مسائل اقتصادی مردم توسط نظام اسلامی را امری خطرناک می‌داند: «اگر خدای نخواستہ جمهوری اسلامی نتواند جبران کند این مسائل اقتصادی را، که اول مرتبه زندگی مردم است، و مردم مایوس بشوند از جمهوری اسلامی و مایوس بشوند از این که اسلام هم برای آن‌ها بتواند در این جا کاری انجام بدهد، اگر در این محیط یک انفجار حاصل بشود، دیگر نه من و نه شما و نه هیچ کس، نه روحانیت و نه اسلام، نمی‌تواند جلوییش را بگیرد...» (همان، ج ۱۰، ص ۳۳۴-۳۳۵).

امام(ره) در مصاحبه با روزنامه ایتالیایی از شیوه زندگی حاکمان نظام اسلامی می‌گوید: «در جمهوری اسلامی، زمامداران مردم نمی‌توانند با سوء استفاده از مقام، ثروت‌اندوزی کنند و یا در زندگی روزانه امتیازی برای خود قائل شوند. باید ضوابط اسلامی را در جامعه و در همه سطوح به دقت رعایت کنند و حتی پاسدار آن باشند...» (همان، ج ۴، ص ۲۶۶).

و در مصاحبه‌ای با روزنامه آلمانی اندیشه خود را این‌گونه بیان می‌کند: «توزیع ثروت و درآمدها بر اساس عدالت اسلامی، وضع توده‌های مردم ما را بهبود خواهد بخشید...» (همان، ج ۴، ص ۵۰۵).

و در مصاحبه با روزنامه «لیبرال» درباره ویژگی‌های حکومت اسلامی می‌فرماید: «کسانی که سابقه خیانت دارند و برخلاف معیارهای اسلامی ثروت‌اندوزی کرده‌اند، تجاوز به حقوق دیگران کرده‌اند، حق دخالت در این حکومت را ندارند...» (همان، ج ۵، ص ۴۴۹).

### ۳. توجه کامل به امر آموزش

امام خمینی(ره) در موارد متعددی بر آموزش و تربیت و ضرورت استقلال فرهنگی تأکید کرده است، حتی مسئله عمده را تحول فرهنگ می‌داند و اعتقاد دارد که فرهنگ و آموزش و پرورش در رأس مسائل کشور است. می‌فرماید: «فرهنگ در کنار آموزش باید پرورش داشته باشد... همراه تحصیل، تربیت باشد. جوان‌های ما تربیت بشوند به یک تربیت‌های انسانی؛ یک تربیت‌های اسلامی که همان تربیت‌های انسانی است. اگر چنانچه تربیت انسانی بشوند جوان‌های ما، این‌ها دیگر خیانتکار به کشور خودشان نمی‌شوند... عمده این است که فرهنگ یک فرهنگ متحول بشود...» (همان، ج ۹، ص ۷۵).

در اهمیت فرهنگ و آموزش و پرورش نیز می‌فرماید: «مسئله فرهنگ و آموزش و پرورش در رأس مسائل کشور است. اگر مشکلات فرهنگی و آموزشی به صورتی که مصالح کشور اقتضا می‌کند حل شود، دیگر مسائل به آسانی حل می‌گردد...» (همان، ج ۱۵، ص ۳۰۹).

به گونه‌ای که سهل‌انگاری در این امر را خیانت دانسته و می‌فرماید: «مسامحه و سهل‌انگاری در تعلیم و تربیت خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی و استقلال فرهنگی یک ملت و کشور می‌باشد و باید از آن احتراز کرد...» (همان، ج ۱۷، ص ۳).

و سرانجام در وصیت‌نامه سیاسی- الهی خود این‌گونه می‌فرماید که: «... از امور بسیار بااهمیت و سرنوشت‌ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشگاه‌ها است ... اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و

جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی‌رفت...» (همان، ج ۲۱، ص ۴۲۹).

#### ۴. توجه به امر پرورش و تهذیب اخلاق و مبارزه با مفاسد اخلاقی

امام (ره) نیز در جمع مسئولان بر مقدم بودن تزکیه بر دانش تأکید کرده و می‌فرماید: «مسئله مهم در آموزش و پرورش با هم است، و آلاً آموزش تنها فایده‌ای ندارد و گاهی هم مضر است. مقدار صدمه‌ای که ایران از متفکرین و متجددین فرنگ رفته خورده است، از هیچ کس نخورده است، و این برای آن بود که، آن‌ها آموزش داشتند ولی تهذیب و پرورش نداشتند...» (همان، ج ۱۹، ص ۱۸۹).

و در جایی دیگر در ضرورت توأم بودن آموزش با پرورش می‌فرماید: «باید آموزش و پرورش مردم توأم باشد. پرورش، پرورش انسانی، پرورشی که به درد انسان برسد، آموزشی که برای انسان باشد، جهت‌دار باشد...» (همان، ج ۱۳، ص ۴۵۰).

اهمیت تعلیم و تهذیب در اندیشه امام (ره) به گونه‌ای است که آن‌ها را عوامل نمونه بودن می‌داند: «اگر فرض کنیم که یک ملتی آموزش و پرورش در آن نفوذ کرد و همه ملت آموزش یافتند به اندازه‌ای که احتیاجات ملت است، و پرورش یافتند و تهذیب نفس کردند و تربیت اخلاقی شدند، ملتی که یک همچو توفیقی را پیدا بکند یک ملت نمونه‌ای خواهد بود...» (همان، ج ۱۶، ص ۴۹۵).

#### ب: اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی از منظر امام خمینی (ره)

##### ۱. ویژگی حاکم اسلامی

از دیدگاه امام خمینی (ره): «شخص اول، که خلیفه است بر مسلمین و به منزله سلطان است نسبت به مسلمین، زندگی عادی‌اش از افراد طبقه سه پایین‌تر و با مردم، با همین طبقه فقرا، هم‌درجه در زندگی هستند... حاکم اسلام حاکمی است که در بین مردم، در همان مسجد کوچک مدینه می‌آمد جلوس می‌کرد و آن‌هایی که مقدرات مملکت دستشان بود، مثل سایر طبقات مردم در مسجد اجتماع می‌کردند؛ و طوری بود اجتماعشان که کسی که از خارج می‌آمد نمی‌فهمید که کی رئیس مملکت است و کی صاحب منصب است و کی از فقراست. لباس، همان لباس فقرا و عسرت، همان عسرت فقرایی. و در اجرای عدالت طوری بود که اگر چنانچه یک نفر از پایین‌ترین افراد ملت بر شخص اول مملکت، بر سلطان، بر رعیت ادعایی داشت و پیش قاضی می‌رفت، قاضی شخص اول مملکت را احضار می‌کرد و او هم حاضر می‌شد؛ و اگر چنانچه حکم برخلاف او می‌کرد تسلیم بود...» (همان، ج ۴، ص ۴۱۷-۴۱۸).

حضرت امام (ره) در مصاحبه با تلویزیون آلمان خود را خادم ملت می‌داند: «من با مردم ایران برادر هستم و خود را خادم و سرباز آنان می‌دانم و چون مصالح آن‌ها را می‌خواهیم و آن چیزی که ما مطرح می‌کنیم همان خواسته‌های ملت ایران است، از این جهت از ما نصایح را قبول می‌کنند. و اما احتمال اختلاف گروه‌های سیاسی بعد از پیروزی غیر قابل اجتناب است ولی در مقابل ملت- که اکثریت تامه قریب به اتفاق دارند- اختلاف گروه‌ها مورد اعتنا نیست...» (همان، ج ۵، ص ۳۵۴).

امام (ره) اسلام را در خدمت مستضعفان و فقرا می‌داند و اظهار می‌دارد: «امروز همه در خدمت شما هستند، در خدمت اسلام هستند. این نعمت را قدر بدانید، سستی و سردی به خودتان راه ندهید؛ نگویید که او رفت و تمام شد...» (همان، ج ۶، ص ۲۷۲).

## ۲. کار برای خداوند باشد

امام خمینی (ره) کار برای خدا را یک اصل می‌داند و لذا به مناسبت‌های مختلف، تلاش داشت تا خدمت در راه خدا را به مسئولین، کارکنان، کارگران و سایر مردم یادآور شود.

«اگر شما بخواهید به اسلام خدمت کرده باشید، بخواهید به قرآن مجید خدمت کرده باشید، بخواهید که در پیشگاه خدا روسفید باشید، بخواهید که فردا که از این‌جا به آن در می‌روید روسفید بروید، باید این‌طور باشد که کارهایی را که انجام می‌دهید، بی‌غرض و بی‌مرض و با تقوا و با حسن نیت باشد.» (همان، ج ۱۷، ص ۱۲۳-۱۲۴)

و یا می‌فرماید: «برای خدا هم این کار را بکنید، یک نحو عبادتی است برای شما...» (همان، ج ۱۲، ص ۲). و یا این‌که کار برای خدا را مایه تسلی دل و روح آدمی می‌داند: «آنچه این زحمت‌ها و رنج‌ها را آسان می‌کند و تسلیت به انسان می‌دهد این است که این‌ها برای خداست...» (همان، ج ۱۲، ص ۴۳۳).

«خدا را شاهد و ناظر بر کارها دانستن یکی دیگر از نکاتی است که امام خمینی (ره) بر آن تأکید دارد: «شما آقایان با تعهد به اسلام، با این‌که حاضر بدانید خدا را در کارهای خودتان [فعالیت کنید]. آن روزی را که می‌خواهید یک کسی را کنار بگذارید... توجه کنید که خدا حاضر است... توجه بکنید که کارها همه اسلامی باشد؛ برای خدا باشد؛ خدمت برای خدا باشد...» (همان، ج ۱۶، ص ۴۸۳-۴۸۴).

## ۳. محبت با مردم

امام علی علیه‌السلام در جای‌جای نهج‌البلاغه به عنوان یک حاکم، مهرورزی و محبت خود را به مردم اظهار داشته است و از جمله در این فراز از کلام خود می‌فرماید: «... من با شما خوش‌رفتاری کردم، و برای حفظ و حراست‌تان رنج بردم. از یوغ ستمکاران رهایتان ساختم، و طوق بندگی و خواری را از گردنتان در آوردم و دور انداختم. آری از زشتکاری‌های فراوانی که به چشم دیدم و آن‌ها را به بهای جان خریدم گذشتم، و برای سپاسگزاری از اندک نیکی که دریافتم، ره مهربانی و بخشودگی پیش گرفتم. و آنچه را نسبت به بدسگالان در دل داشتم، در گوشه‌ای گذاشتم» (نهج‌البلاغه، ترجمه محسن فارسی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۸).

در مورد مهربانی و محبت پیامبر اسلام (ص) نیز آمده است که: «...رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله پیوسته با مردم الفت داشته و بدیشان نزدیک می‌شد، و مردم نیز به نبوت و سلطانت او چنان نزدیک می‌شدند که گویی حضرت رسول صلی‌الله‌علیه و آله یکی از آن مردمان است.» (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۷۶).

و امام خمینی (ره) نیز اعتقاد دارد که: «در محیط اسلام و مملکت اسلامی رعب نیست، و در محیط طاغوتی رعب است؛ برای این‌که محیط اسلامی، نه شخص اولش و نه سردارهایش با مردم جوری نکردند که از مردم بترسند؛ با مردم محبت کردند؛ مردم همه برادر او هستند، خدمتگزارش هستند. همان‌طوری که این‌ها خدمت به مردم می‌کنند، مردم هم خدمت به آن‌ها می‌کنند. در یک همچون محیطی کسی ترس ندارد، لازم نیست که

ایجاد رعب بکنند؛ اما در محیط طاغوتی از باب این‌که با مردم بدرفتاری کردند، مال مردم را خوردند، اذیت کردند به مردم، از مردم می‌ترسیدند...» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۴۳).

امام (ره) آن‌قدر دوستی با مردم را مهم تلقی می‌کند که هم صلاح مسئولین و هم صلاح کشور را در این مراوده و دوستی با مردم می‌داند: «توجه کنید به این‌که هم صلاح خود شماست و هم صلاح کشور شماست و هم صلاح ملت است که شما با مردم دوست باشید؛ مردم احساس کنند که این‌ها دوست‌های آن‌ها هستند که آمده‌اند.» (همان، ج ۱۳، ص ۳۸۳).

امام علی علیه‌السلام در عهدنامه اشتری، آن‌جا که به وی تعلیم می‌دهد که چگونه با مردمان رفتار کند و به چه چشم به ایشان بنگرد می‌فرماید: «...در دل خود نسبت به مردم احساس محبت بکن، آنان را دوست بدار و با ایشان مهربان باش...» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۶۲۲).

#### ۴. زندگی هم‌سطح مردم

سفارش دین مبین اسلام بر این است که حاکمان همچون مردم عادی جامعه زندگی کنند. امام علی (ع) می‌فرماید که: «خدای متعال بر پیشوایان بر حق، واجب فرموده است که خود را با مردم ناتوان برابر نهند، تا فقر و تنگدستی، فقیران را به شورش وادارد.» (همان منبع)

امام خمینی (ره) در مورد مرفه نبودن مسئولین می‌فرماید: «وقتی بنا شد که متصدی یک امور کشوری، قشر اشراف- به اصطلاح خودشان- اعیان، مرفه‌ها و صاحب اموال و- نمی‌دانم- پارک و اتومبیل‌ها و کذا و کذا، یا آن وقت کالسکه‌ها و آن حرف‌ها باشد، این یکی از مصیبت‌های بزرگی است که در یک ملت هست... این یکی از الطاف بزرگ خدا بود که حکومت جمهوری اسلامی را و متصدیان امور اسلامی را از قشر مرفه و از آن اشراف و اعیان و «سلطنه»ها و «ملک»ها و این‌ها قرار نداد...» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۴۳-۴۴۴).

#### ۵. مردمی بودن کارگزاران

کارگزار مردم بودن، نعمتی است از جانب خداوند که شکر این نعمت، مردم‌داری و همراه بودن با مردم است. امام (ره) می‌فرماید: «ما باید ببینیم که این ملتی که ماها را به این مقام‌ها رسانده‌اند، از ما چه می‌خواهند و ما باید برای آن‌ها چه بکنیم... این‌ها می‌خواهند که این‌ها همه در راه اسلام، که خواست ملت بود و همه کوشش‌شان برای اسلام بود و اسلام آن‌ها را موفق کرد، این‌ها هم در همان طریق اسلامی راه بروند. طریق اسلامی این است که مستضعفین را حمایت کنند، بیشتر توجه‌شان به آن‌ها باشد.» (خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۱۹۶)

و یا در جایی دیگر آسیب‌پذیری نظام را در جدایی مسئولان از مردم می‌داند: «از این بترسید که اگر - خدای نخواستہ - یک وقت این قضیه پیش آمد و شما از آن مردمی بودن بیرون رفتید و یک وضع دیگری پیدا کردید و خیال کردید حالایی که من نخست وزیرم، حالایی که من رئیس جمهورم، حالایی که من وزیر کذا هستم، باید چه و چه و چه باشم، آن وقت بدانید که آسیب می‌بینید...» (همان، ج ۱۶، ص ۴۴۶).

#### ۶. دقت مسئولین در انتخاب و نظارت بر کار کارکنان

امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه به کارگزاران حکومتی توصیه دارد که در انتخاب کارمندان خود نهایت دقت و وسواس را به خرج دهند و مسوولیت خدمتگزاری به مردم را به هر کسی واگذار نکنند: «...کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا از خاندان‌های پاکیزه و باتقوی، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر، و آبرویشان محفوظ‌تر، و طمع و روزیشان کمتر، و آینده‌نگری آنان بیشتر است...» (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۷۹).

امام خمینی (ره) نیز در موارد متعددی به این دقت مسئولین تأکید دارد و می‌فرماید که: «از اموری که اصلاح و تصفیه و مراقبت از آن لازم است قوه اجراییه است...» (همان، ج ۲۱، ص ۴۲۶) و یا در جایی دیگر بر این نکته سفارش دارد که «اگر اشخاصی مسامحه می‌کنند و از کارمندان هستند اخراج کنید؛ و اشخاص متعددی را به این کار بگمارید...» (همان، ج ۱۷، ص ۵۱۵).

«طوری بشود که اشخاص صالح مشغول کار باشند... و در هر جا کسانی که کارشکنی می‌کنند و مودی هستند و ناصالح هستند و توبه هم نمی‌کنند و قابل این حرف‌ها نیستند آن‌ها کنار بروند...» (همان، ج ۱۰، ص ۵۰).

و امام (ره) گاهی مواقع هنگامی که کارگزاری و یا کارمندی به وظیفه خویش عمل نمی‌کند می‌گوید: «و گاهی من می‌شنوم که در ادارات یک قدری کم کاری هست، گاهی بیکاری هست، و این موجب تعجب من است...» (همان، ج ۱۰، ص ۲۰۰).

امام علی علیه‌السلام پس از توصیه به کارگزاران در مورد انتخاب کارکنان خود، مسئله نظارت بر آن‌ها را نیز مد نظر دارد و لذا می‌فرماید: «... سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو، و وفا پیشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانتداری، و مهربانی با رعیت خواهد بود. و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن، و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او بازپس گیر، سپس او را خوار دار، و خیانتکار بشمار، و طوق بدنامی به گردنش بیفکن...» (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۷۹).

امام خمینی (ره) نیز به کارگزاران حکومت اسلامی تذکر می‌دهد که بر کار کارمندان خود نظارت کنند و نگذارند که مردم را مأیوس کنند و لذا می‌گوید: «خوب، شما که سرکشی می‌کنید در همه وزارتخانه‌ها و ادارات، توجه به این معنا داشته باشید که با مردم، این‌ها چه می‌کنند...» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۷۷).

### نتیجه‌گیری

امام (ره) با رهنمودهای خویش تلاش کرد با پیوند دادن بین اخلاق اسلامی، رفتار حاکمان و زمامداران بر مردم را مورد توجه قرار دهد و آنان را به مسیری هدایت کند که سرانجامش کمال انسانیت است. ایشان در عین احترام به حقوق مردم و کارگزاران و رعایت قواعد و مقررات، روح معنویت به نحوه مدیریت مدیران می‌دمد و چون طبیبی دردشناس، تلاش می‌کند تا ریشه‌های درد فقدان معنویت و اخلاق را بیابد و راه درمانی



ارائه دهد. حال اگر بخواهیم از بیانات و سیره رفتاری امام خمینی (ره) الگوبرداری کنیم، شناخت مبانی و پایه‌های نظری دیدگاه ایشان ضرورت دارد.

Archive of SID

## منابع

- ۱) حکیمی، محمد رضا، محمد و علی (اخوان حکیمی)، الحیاه، ترجمه احمد آرام، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۲) صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۵.
- ۳) رضی، ابو الحسن محمد بن حسین موسوی، نهج البلاغه، (عنوان کامل: شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵.
- ۴) رضی، ابو الحسن محمد بن حسین موسوی، نهج البلاغه، (عنوان کامل: نهج البلاغه درسخنان علی علیه السلام)، ترجمه محسن فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
- ۵) رضی، ابو الحسن محمد بن حسین موسوی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات مشهور، ۱۳۷۹.
- ۶) طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ترجمه بهراد جعفری، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.

Archive of SID